

## قاتلان امروز، تشییع کنندگانند! قاتلان دیروز، فراخوان دهندگانند!

ارتجاع اسلامی در باثلاق متعفنی که حاصل سه دهه حاکمیت قرون وسطائی اشان است دست و پا میزند. از هر دو سوی بحران حکومتی، دار و دسته های ارتجاعی اسلامی قصد دارند که با تمسک به میانی قرون وسطائی، دم و دستگاه نظام اسلامی و امامی اشان را حفظ کنند. هم آنان که در رکاب امام "خامنه" ای شان کشتار میکنند و بعد وقیحانه به هیئت تشییع کنندگانی خونخواه تابوتهای جان باختگان را در نمایش تهوع آور تشییع مذهبی بر دوش میکشند، و هم آنان که در رقابت اشان حول رهبری نظام اسلامی و بازگشت به دوران "طلائی" قتل عام های دهه شصت و آرمانهای امام جلادشان، فراخوان صادر میکنند در رویای طلائی امام اشان از آزادی سخن میگویند، نمایندگان ارتجاع بورژوازی و سازمان دهندگان بساط چپاول و غارت و کشتار بوده و هستند. بورژوازی حاکم در ایران و تمامی فراکسیون ها و نمایندگان سیاسی اش چه جناح غالب در قدرت باشند و یا جناح مغلوب و یا در هیئت اپوزیسیون بورژوا امپریالیستی عمل نمایند، تا مغز استخوان وابسته به اردوگاه بورژوازی امپریالیستی هستند و وظیفه اشان سازماندهی شرایط تشدید استثمار و تحکیم دستگاه کشتار و سرکوب ماشین دولتی در راستای تحمیل شرایط غارت برای تامین منافع بورژوازی امپریالیستی است. ارتجاع بورژوازی تماما قاتل و جنایتکار است. هیچ ملتی در سایه رجز خوانی قاتلان دیروز و امروز و میر غضب هائی که در نوبت جنایت ایستاده اند به آزادی دست نخواهند یافت. در جریان بحران های سیاسی در اردوگاه بورژوازی، آنان جهت جلوگیری از انقلاب و با علم کردن آلترناتیو های بورژوا امپریالیستی و با استفاده از نارضایتی های اجتماعی به مثابه سیاهی لشکر، دستگاه سرکوب و استثمار را از فراکسیون حاکم به فراکسیون اپوزیسیونی ارتجاعی دیگری منتقل میکنند. اگر تعویض جناح غالب با فراکسیونهای درونی ضرورت داشته باشد؛ باید در نظر داشت که بدون تردید در این نقل و انتقال چیزی که اساسا فاقد ارزش است منافع کارگران و زحمتکشان است. اما با مشارکت دادن مردم به مثابه سیاهی لشکر در دعوا های باندی اشان میتوانند جای میر غضب امروزی را با چماق به دست حزب الهی دیروزی و یا حداکثر با بورژوا میرغضب های در نوبت، بنام جعلی انقلاب به پیش ببرند. در مقابله با چنین ترفندی باید گفت که شاهراه آزادی در نبرد بر علیه تمامیت این دم و دستگاه جلادان چپاولگر قرون وسطائی میگردد. نبرد خیابانی بایستی صحنه ابراز مطالبات جنبش های اجتماعی باشد و نه میدان درخواست قدرت گیری قاتلان دیروزی. اینان از هر جناح و دسته ای که باشند با همین احتجاجات قرون وسطائی بیش از سه دهه است که تمامی هستی ما را بر باد داده اند. آنان یا در رکاب "امام خمینی" اشان در دهه شصت بر علیه آزادی به گستراندن بساط حزب فقط حزب الله/رهبر فقط روح الله اقدام نموده و در ابعاد دهها هزار نفری خون ریخته اند و چوبه دار بر پا کرده اند و در جهت منافع سرمایه داری طرح تعدیل نیروی انسانی را پیش برده و هزاران نفر را بیکار ساخته اند؛ یا در معیت امام "خامنه" ای اشان کشتار و اعدام را به امر روزمره زندگی اجتماعی مبدل ساخته و در جهت غلبه بر بحران سرمایه داری با طرح به اصطلاح هدفمند کردن یارانه ها ، نان را هم از سفره ما ربوده اند. مانیفست ارتجاع بورژوازی در ایران بر اساس چپاول و سرکوب بنا شده و هیچ فرقی نمیکند که کدام فراکسیون در قدرت باشد و این جناح غالب به کدام میانی نظری تمسک جوید و کدام اهداف سیاسی را تبلیغ نماید. ارتجاع بورژوازی چه در هیئت سلطان در قدرت باشد و یا به هیئت الله در آید و یا بخواهد رهبر ایدئولوژیک باشد و یا هر مزخرفاتی از این دست، اساسا دیکتاتور و با هزار و یک بند به بارگاه بورژوازی امپریالیستی وابسته است. بایستی تمامیت این اوضاع را که تامین کننده منافع امپریالیسم و ارتجاع است بر هم زد. باید بر علیه تمامیت این بنای موربانه خورده نبرد نمود و نشان داد که نبرد آزادیخواهانه از تابوهائی نظیر شاه و امام و رهبر ایدئولوژیک و اباطیلی از این دست عبور کرده است. باید پرچم مطالبات جنبش های اجتماعی را برافراشت. باید نبرد بر علیه سیستم حاکم را به زبان مطالبات جنبش های اجتماعی بیان کرد. الله اکبر زبان ارتجاع است،

باید به زبان انقلاب، زبان مطالبات، زبان جنبش نان و آزادی سخن گفت. نباید اجازه داد که تنفر توده ای از نظم حاکم به ملعبه بحران رهبری در صفوف ارتجاع بورژوازی حاکم مبدل گردد. تنها راه مقابله با این اوضاع سازماندهی جنبش برای نان، آزادی و سوسیالیسم بر اساس مطالبات جنبش کارگری، زنان و ملت‌های تحت ستم است. در مقابله با سیاست بورژوا امپریالیستی تعویض میر غضب‌ها، بایستی مدافعه و نبرد برای حاکمیت شورا‌های کارگران و زحمتکشان را به مبارزات خیابانی کشاند. برای تحقق این مطالبات و فقط در راه این مطالبات باید به خیابان پای نهاد و بایستی تنفر توده ای از نظم حاکم را به تحقق این مطالبات فراخواند. هر دو جناح درگیر ارتجاعی و ضد انقلابی اند. آنان که توهم رفرمیست بودن، دارودسته موسوی و امثالهم را می‌پراکنند، آگاهانه و یا نا آگاهانه، کمک میکنند تا تنفر توده ای از نظم حاکم را به سیاهی لشکر رقابت‌های درون ارتجاع مبدل گردانند. بایستی در راه بزیر کشیدن نظم حاکم جنگید.

**نان، آزادی، سوسیالیسم**  
**مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع**  
**برقرار باد حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان**

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر- ۲۹ بهمن ۱۳۸۹